

۲۱۰
۱

۱۶۸۱۲

مجله	کشفیات (ادبی) (تشریح نبرد دائره المهادن اسلام)
تاریخ نشر	۱۳۶۸
شماره	۱۰۲
شماره مسلسل	
محل نشر	تهران
زبان	فارسی
نویسنده	پروفسور دکتر فریدون فریدونی
تعداد صفحات	۱۰۰ صفحه
موضوع	معرفی کتاب (معجم مصنفات القوانین)
سرفصلها	
کیفیت	
ملاحظات	

معرفی کتاب

علی شواخ اسحاق، معجم مصنفات القرآن الکریم، ج ۴، الرياض، دارالرفاعی، ۱۹۸۳/۱۴۰۳.

کمتر کتابنامه‌ای از فهرس اسلامی، از فهرست ابن ندیم تا کتابشناسیهای ملی که امروزه در بعضی کشورهای عربی، یا در ایران انتشار می‌یابد، می‌توان یافت که در آن نام و نشانهایی از آثار قرآن پژوهی نباشد. فی‌المثل در الذریعه تألیف آقا بزرگ تهرانی، فقط در ذیل کلمه «تفسیر» بیش از ۲۵۰ اثر از تفاسیر قرآن معرفی شده است. یا در تفسیر و تفاسیر جدید، تألیف راقم این سطور، نام و نشان ۳۲۸ اثر که تفسیر یا درباره تفسیر است و همه در قرن چهاردهم هجری نوشته شده یا به طبع رسیده است، به دست داده شده است. همچنین در فهرست مشترک کتابخانه کنگره آمریکا که جامع‌ترین کتابنامه جهانی عصر جدید است، چه در بخشی که برحسب نام مؤلفان است و چه در بخشی که موضوعی است، تقریباً هفتاد درصد کل آثار قرآن پژوهی منتشره در قرن حاضر، فهرست شده است. «کتابشناسی جهانی ترجمه‌های قرآن مجید»، ویراسته اکمل الدین احسان اوغلی نیز که توصیفی و به زبان انگلیسی در سال ۱۴۰۶ ق در استانبول منتشر شده است، کوششی ارجمند است.

اما اینها هیچکدام کتابشناسی مستقل یا جامع قرآن مجید نیست. تنها کوششی که در دهه‌های اخیر در این زمینه شده است، تدوین و انتشار کتابنامه‌ای است به زبان اردو، و جدی‌ترین - ولو نه جامع‌ترین - اثری که تا امروز در زمینه کتابشناسی قرآن مجید و آثار قرآن پژوهی انتشار یافته است. معجم مصنفات القرآن الکریم، تألیف علی شواخ اسحاق، در ۴ مجلد است. درباره حدود و دامنه اشتمال معجم مصنفات القرآن الکریم باید گفت که این اثر فهرست آثاری است که درباره قرآن کریم از قرن اول تا سال ۱۴۰۲ هجری نوشته شده است و به یکسان آثار چاپی و خطی را دربر دارد. و به مقاله‌ها نپرداخته است، و گذشته از علوم قرآنی مختلف (آیات الاحکام، اسباب النزول، قصص و غیره) شامل مطالعات و تحقیقات جدید

درباره قرآن از جمله ترجمه‌های مختلف مصحف شریف نیز هست. و مجموعاً ۲۲۸۱ اثر در آن معرفی شده است.

مؤلف در مقدمه خود می‌نویسد: «این معجم شامل کلیه مصنفاتی است که درباره قرآن است، چه چاپی، چه خطی، در هر نقطه از عالم، و به هر زبان که ما به آن دست یافته‌ایم. ابتدا اسم کتاب، سپس مؤلف آن و سال وفاتش، سپس چاپی یا خطی بودن کتاب یاد شده، و اگر چاپی باشد و اطلاعی از کتابخانه‌هایی که نسخ خطی آن اثر در آنها محفوظ است، داشته‌ام، آن را نیز یاد کرده‌ام. سپس مراجعی (تواریخ و تذکره‌ها و زندگینامه‌هایی) را که به مؤلف و کتاب اشاره کرده‌اند، در میان آورده‌ام. کتبی که در این معجم آمده بر سه قسم است: ۱) کتبی که به آنها دسترس نیافته‌ام و ندانسته‌ام که چاپی است یا خطی، و در این صورت کتب و مصادری را که آن را یاد کرده‌اند، ذکر کرده‌ام و این قسم اندک است. ۲) بخشی که شامل کتابهای چاپی در زمینه علوم قرآنی و قرآن پژوهی است که در این مورد بنا را بر معجم المطبوعات سرکیس (که از آغاز چاپ تا سال ۱۹۱۹ م/۱۳۳۹ را دربر دارد) نهاده‌ام. سپس از کلیه کتابشناسیها و فهرس و مجلات برای تکمیل آن استفاده کرده‌ام. در مورد مطبوعات و آثار خارجی (غیر عربی) از طریق مکاتبه و مراجعه شخصی در صدد استقصای آنها برآمده‌ام. در ترکیه با کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه و کتابخانه عمومی استانبول و غیره و در ایران با مرکز فرهنگی اصفهان، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تماس داشته‌ام. و در اروپا با اغلب کتابخانه‌های دانشگاهی و ملی، مخصوصاً دانشگاه بیرمگام، و از فهرس همه کتابخانه‌ها سود برده‌ام. علی‌الخصوص از فهرست کتابخانه کنگره آمریکا که در دانشگاه ملک سعود محفوظ بود، بهره مند شده‌ام. ۳) بخشی که شامل مخطوطات علوم قرآنی و قرآن پژوهی است، و این دشوارترین و دیرپای‌ترین بخش در کار تدوین این کتابشنامی بوده است و برای ملاحظه نسخ خطی یا فهرس آنها چه بسیار سفر کرده‌ام... بخشهای مختلف این معجم را به حسب موضوعات زیر و به ترتیب الفبائی مرتب کرده‌ام:

- ۱) آی القرآن و سوره، ۲) احرف القرآن، ۳) احکام القرآن، ۴) اسباب النزول، ۵) اعجاز القرآن و بلاغته، ۶) اعراب القرآن، ۷) تجوید القرآن، ۸) ترجمه القرآن، ۹) تفسیر القرآن، ۱۰) دراسات قرآنیة، ۱۱) رسم القرآن، ۱۲) غریب القرآن، ۱۳) فضائل القرآن، ۱۴) القراءات القرآنیة، ۱۵) المحکم و المتشابه، ۱۶) معانی القرآن، ۱۷) النسخ و المنسوخ، ۱۸) لغات القرآن، ۱۹) الوجوه و النظایر...» (مقدمه، ص ۱۶-۲۰).

به نظر می‌رسد این فهرست موضوعات، کمبودها یا تکرار مکرراتی دارد. فی‌المثل بحث قصص قرآن، یا شناخت مکی و مدنی، یا جمع و تدوین قرآن یا به‌طور کلی تاریخ قرآن در آن

نیامده است. از سوی دیگر غریب القرآن، معانی القرآن، لغات القرآن، والوجوه والنظائر که ذیل چهار عنوان مستقل آمده‌اند، در واقع همه مربوط به يك موضوع‌اند، و می‌توانست ذیل لغات قرآن، یا معاجم قرآن، فقط يك مدخل داشته باشد.

مؤلف در خاتمه الطبع (ج ۴، ص ۲۶۵-۲۶۶) به جامع نبودن اثر خود اذعان کرده است. و می‌گوید لازم بود فصلی جامع در باب مبهمات القرآن می‌آوردیم. و می‌گوید تمام کتب قرآن پژوهی منعکس در فهرست کتابخانه کنگره آمریکا را در این معجم نیآورده است و اظهار امیدواری کرده است که طبع دیگری استدرک کند.

در پایان کتاب، فهرس فنی درج شده است شامل ۹ قسم فهرست: (۱) کشف العناوین، (۲) کشف المؤلفین، (۳) کشف المطبوع، (۴) کشف المخطوط، (۵) کشف النسخ، (۶) قوائم المكتبات الواردة فی المعجم، (۷) فهرس المصادر والمراجع، (۸) فهرست الموضوعات، (۹) فهرس الفهارس. طنزآمیز این است که «فهرست الفهارس» همین فهرست ۹ گانه است در يك صفحه. وقتی که عین آن در اول فهرس آمده است، یاد کردن مکرر آن با نام پرطمطراق «فهرس الفهارس» وجهی ندارد. دیگر اینکه فهرست شماره دوم از این سلسله، فهرست «عناوین» است، به‌طور کلی اعم از چاپی و خطی، و فهرست سوم فهرست کتب چاپی، و فهرست چهارم فهرست کتب خطی است. حال آنکه کافی بود که در همان فهرست دوم که فهرست عناوین است به مطبوع یا مخطوط بودن هر اثر اشاره شود. فهرست هفتم یعنی مصادر و مراجع ناقص است. یعنی کلیه کتابهایی را که مؤلف از آنها استفاده کرده است، حتی کتابهای کثیرالمراجعه‌ای چون الذریعه و تاریخ الادب العربی بر و کلمان را که به شهادت بسیاری صفحات، جزو منابع عمده مؤلف بوده است، در این فهرست یاد نکرده است.

مهمترین ایراد معجم المصنفات این است که استقصای آن تام نیست و شاید در حد يك سوم بیشتر نباشد. قطع نظر از مقالات، به هر زبانی، که شاید خود به تنهایی ۴-۵ هزار قلم باشد، به برآورد نگارنده این سطور کتابشناسی کامل قرآن، به هر زبانی، اعم از خطی و چاپی، حداقل ده هزار عنوان است. فقط به‌عنوان نمونه و مبنای مقایسه این نکته را یاد می‌کنیم که فهرس المخطوطات المكتبة الظاهرية، بخشی درباره علوم قرآنی دارد که خود آنها سه مجلد است. یعنی فقط فهرست نسخه‌های خطی کتب علوم قرآنی و قرآن پژوهی يك کتابخانه کمابیش برابر است با کل این فهرست.

دیگر از مشکلات یا اشکالات این کتاب، همان است که خود مؤلف در ص ۲۱ مقدمه به آن اشاره و اذعان کرده است. یعنی درج نام بعضی کتابها در محل نادرست. زیرا چون کتابها تماماً دیده نشده است، طبعاً چاره‌ای جز اتکا به عنوان که در بعضی موارد گمراه کننده است، نبوده

است. چنانکه اولین کتاب مندرج در این کتابشناسی یعنی کتاب غره^۱ ناهجا در بخش اول [= آی القرآن و سوره] وارد شده است. یعنی کتاب آیات الاحکام: قلائد الدرر فی بیان آیات الاحکام بالاثر که باید در قسمت آیات الاحکام [= فقه القرآن] می آمد، در بخش آیات و سوره آمده است. یا شماره دهم در همین بخش، آیات المحکمات و المتشابهات، پیدا است که باید در قسم پانزدهم که مختص محکمات و متشابهات است می آمد. یا شماره ۱۳: الابریز الخصاص فی فضائل المسلمه و سوره الاخلاص، باید در قسم سیزدهم یعنی فضائل القرآن قرار می گرفت. هینطور شماره ۲۶، البیان فی شرح آیات الاحکام، تألیف احمد بن محمد اردبیلی (مقدس اردبیلی) که در بخش آیات و سوره آمده، باید در بخش آیات الاحکام می آمد.

یا بسیاری کتابها هست که چون کلمه «حروف» در عنوان آنها هست، مؤلف آنها را در همین بخش آیات و سوره قرار داده، حال آنکه يك معنى مهم «حرف» در علوم قرآنی، یعنی «قراءت» و این کتابها از جمله کتابهای شماره ۱۲۸ تا ۱۳۱ باید در بخش قراءت قرار می گرفت.

یا شماره ۳۰ همین بخش: تجرید التفسیر من صحیح البخاری علی ترتیب السور، پیدا است که باید در بخش تفسیر قرار می گرفت. حاصل آنکه در حدود ۲۰ درصد از عناوین - که غالباً دقت در عبارات آنها می تواند به محل صحیحشان راهبر باشد - در این معجم در جای نادرست وارد شده است. یا فی المثل کتاب شماره ۱۹۸۵ که التفسیر الاسلامی للتاریخ، تألیف عمادالدین الخلیل، نام دارد، اصولاً کتابی در تفسیر قرآن، یا درباره تفسیر نیست بلکه کتابی است در زمیته تاریخ و فلسفه تاریخ و ربطی به علوم قرآنی ندارد.

اما در مجموع منکر ارزش این اثر که نخستین گام در تدوین کتابشناسی جامع قرآن کریم است، نمی توان شد. از جمله اینکه بیش از هزار تفسیر - یا آثاری که درباره تفسیر است - معرفی کرده است.

بهاء الدین خرمشاهی

شهید ثانی، زین الدین بن علی، منیه المرید فی آداب المفید و المستفید،
تحقیق رضا المختاری، قم، مکتب الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۹، ص ۴۹۶.

زین الدین بن علی عاملی معروف به شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۵) از دانشمندان نامبردار شیعی است که خصوصاً به سبب تألیف کتاب فقهی الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة و نیز